

شهر فرنگ

گفت‌وگو با بهنام تشکر

به دنبال معروف شدن نیستم

هیوا بدخشان

■ یکی از جذاب‌ترین چهره‌های «ساختمان پزشکان» دکتر تیما افشار است. بهنام تشکر در این مجموعه کاراکتری جدی را ارایه داده است که با قرار گرفتن در موقعیت‌های متفاوت، لحظات کمدی بسیاری را به وجود آورده است. اکثر مخاطبان فکر می‌کنند مجموعه ساختمان پزشکان، اولین تجربه بازیگری بهنام تشکر است. اما واقعیت این است که او یکی از بهترین بازیگران حوزه تئاتر است و کمتر علاقه‌مندی به تئاتر است که بازی قوی او را در «جولیوس سزار» از یاد ببرد.

■ ■ ■

■ چگونه برای نقش نیما افشار در مجموعه ساختمان پزشکان انتخاب شدید؟

من سر یک کار تئاتر بودم و پیمان قاسم‌خانی و سروش صحت بازی من را دیدند و پسندید و همان موقع برای نقش اول سریال با من تماس گرفتند.

■ با توجه به اینکه شما یکی از بازیگران خوب تئاتر هستید چه عواملی باعث شد بازی در یک سریال طنز تلویزیونی را قبول کنید؟

قبلا هم پیشنهاد بازی در تلویزیون را داشتم. معمولا بازیگران تئاتر سعی می‌کنند ناب باشند و خودشان را حفظ کنند برای همین سر هر کاری نمی‌روند. ما در تئاتر بازیگران کشف‌نشده بسیار خوبی داریم. در مورد ساختمان پزشکان قبل از هر چیز برای من تیم نویسندگان مهم بود. دوردور پیمان قاسم‌خانی را می‌شناختم و کارهایش را دوست داشتم و با روحیات سروش صحت آشنا بودم؛ او بسیار دقیق و باحوصله است. وقتی فیلمنامه‌های اول را خواندم خیلی از متن خوشم آمد و باافاصله قبول کردم.

■ متأسفانه دستمزد بازیگران در تئاتر خیلی کم است و بعضی از بازیگران تئاتر به خاطر همین مساله به سمت سینما و تلویزیون کشیده می‌شوند. آیا این مساله در کار کردن شما در تلویزیون تأثیری نداشته؟

اگر قرار بود به دستمزد فکر کنم این همه سال تئاتر بازی نمی‌کردم. البته من در سال دو الی سه تئاتر کار می‌کنم و در چند سال اخیر هم قرار دادهایی که می‌ستیم، خیلی بد نبودند. بازیگران تئاتر صرفا به خاطر خود بازیگری کار می‌کنند. ما خیلی به دنبال معروف شدن نیستیم. البته نه اینکه معروف شدن بد باشد اما بیشتر به دنبال کشف و شهود در دل خود بازیگری هستیم تا ابزارمان را در این مقوله افزایش دهیم. بعضا کارگردان‌هایی سراغ ما می‌آیند و کار



تصویر همیشه دستمزدش بیشتر از تئاتر بوده اما من صرفا به خاطر پول وارد تلویزیون نشدم.

■ خلاف این مساله هم وجود دارد؛ بعضی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان سینما و تلویزیون به خاطر اینکه دستمزد کمتری به بازیگران بدهند از بازیگران تئاتر استفاده می‌کنند؟

قرار داد اولیه من در ساختمان پزشکان پایین بود و من قبل نکرده البته خیلی از ستاره‌های تلویزیون با همان دستمزد کار می‌کردند اما من گفتم به اندازه حجم کار، دستمزد می‌گیرم و پیمان و سروش قبول کردند و خیلی با من راه آمدند. این سوءاستفاده در سینما و تلویزیون وجود دارد و بچه‌های تئاتر را از دست می‌کند. فکر می‌کنند تئاتری‌ها تشنه تصویر و دستمزد هستند برای همین سراغ‌شان می‌روند. برای یک فیلم دستمزدی که می‌آید، ادعوت کردند اما گروه تولید، خیلی رفتار بدی با من داشتند و جوری رفتار می‌کردند انگار من محتاج آنها هستم درصورتی که آنها به دنبال من آمده بودند و در نهایت گفتم اسم من را از تیتراژ بردارند تا بپایانند که ما به دنبال اسم و رسم نیستیم. من از مشهور شدن لذت نمی‌برم و وقتی که

تقصر را خیلی خوب بازی کنم، لذت نمی‌برم.

■ تفاوت بازیگری در تئاتر و تلویزیون در چیست؟

به نظر من این تقسیم‌بندی خیلی درست نیست. همه بازیگر هستند البته بچه‌های تئاتر بیشتر استخوان ترکنداند و قدم‌هایشان در اجرای نقش‌ها، محکم‌تر است و وقتی در تلویزیون کار می‌کنند تعداد برداشت‌هایشان کمتر است. البته در تلویزیون هم ما بازیگران خوبی داریم که بسیار هوشمند هستند. ما نباید بگوییم بچه‌های تلویزیون به تئاتر نایبند و برعکس. همه ما باید پشت هم باشیم. تئاتر و سینما باید به کمک کنند و تلویزیون به هردوشان؛ شاید این یک مقدار شعارزدگی باشد اما باید فرهنگسازی کنیم.

■ وقتی قرار شد در تلویزیون کار کنید، استرس داشتید؟

وقتی به من پیشنهاد دادند اولین حسی که سراغ من آمد، ترس بود. در ابتدا خیلی ترسیده بودم از آن طرف، کار با یک تیم نویسنده حرفه‌ای و کارگردان خوب و خوش‌اخلاقی که کارش را بلد است در من احساس خوبی به وجود آورد. اما همه این استرس‌ها را داشتم که چه کار کنم، گروه تولید چه انتظاری از من دارد، مردم از من چه می‌خواهند، اینکه مردم مرا دوست داشته باشند و حداقل بدشان نیاید.

■ در چند سال اخیر شاهد بودیم تلویزیون سعی کرده بیشتر به مقوله طنز بپردازد. اما آنچه حاصل این تلاش شده است بیشتر لودگی بوده تا طنزی که بتواند مردم را به صورت واقعی بخنداند. در این شرایط است که ساختمان پزشکان از آنچه که در تلویزیون مرسوم بوده و متأسفانه به سینما هم سرایت کرده، فراتر رفته و به نوعی یک سر و گردن بالاتر رفته است.

قاسم‌خانی: من خیلی با این تقسیم‌بندی موافق نیستم که لودگی و کمدی بد است و طنز خوب است. چون کمدی‌های کلاسیک مثل کارهای لورل هاردی و هارول لوید هم با این تعریف، لودگی محسوب می‌شود. به نظرم تکنیک کار خوب و بد درست‌تر است. در خارج از ایران این نوع کمدی وجود دارد البته من این سبک کمدی را دوست ندارم اما وجود دارد و طرفدارانش را دارد. فکر می‌کنم مساله پایین بودن کیفیت کمدی‌ها مساله ضعف در فیلمنامه است. ما باید بدانیم نگاهان به کمدی چه نگاهی است. آن

نوع کمدی را خوب بشناسیم. چون آن نوع کمدی هم فیلمنامه خودش را می‌خواهد. من قبول دارم که کمدی‌های ما خیلی بد هستند شاید هم نخواهند بد باشند اما کسانی که این کارها را می‌سازند، فقط همین اندازه کمدی را می‌شناسند.

■ دقیقا چه مسایلی باعث عدم شناخت برنامه‌سازان ما از کمدی است؟

قاسم‌خانی: متأسفانه همکاران ما پیگیر این گونه به عنوان یک هنر نیستند و مسایل روز سینما را دنبال نمی‌کنند. فیلم‌های خوب را نمی‌بینند. مطالعه ندارند. اگر هم فیلم می‌بینند، آن را تحلیل نمی‌کنند. مثل تماشاجی فیلم‌ها را می‌بیند. فاکتورهای موفقیت فیلم‌ها را در نمی‌آورد که چه چیزهایی باعث موفقیت آن فیلم شده است. این نگاه تحلیلی‌گرانه در همکاران ما وجود ندارد بنابراین اگر بخواهند هم نمی‌توانند کمدی خوب بسازند. لورل چاپلین حرف بیشتری برای گفتن دارد اما نوع کمدی چارلی و هاردی برای من جذاب‌تر است. شاید این نوع کمدی است که در ایران ساخته می‌شود و خوب نیست. به فضای کمدی لورل هاردی نزدیک‌تر است. از آنجایی که شناخت درباره آن نیست، نتوانسته است موفق باشد.

■ بیشتر کسانی که در حوزه طنز فعالیت می‌کنند، سال‌ها پیش این شعار را تکرار می‌کنند، خندانان ایرانی‌ها کار سختی است. در حالی‌که به نظر من اتفاقا خندانان ایرانی‌ها خیلی کم کار راحتی است.

قاسم‌خانی: به نظر من هم سخت نیست. ما ایرانی‌ها دوست داریم با همه دنیا فرق داشته باشیم. مثلا همین که می‌گوییم هنر نزد ایرانیان است و بس، یا ما مهمان‌نوازترین مردم دنیا هستیم، یا جاده شمال قشنگ‌ترین جاده دنیاست. دایم قربان خودمان می‌رویم؛ به نظر من که ایرانی‌ها اگر کار خوب ببینند، راحت می‌بخندند. البته من فکر می‌کنم برنامه‌سازان ما نمی‌خواهند ببینند؛ رادست‌کم بگیرند اما کارمندی نگاه می‌کنند. انگار دور هم جمع شدیم تا یک کاری را بسازیم و پولی بگیریم و برویم دنبال زندگیمان. در جهت بهتر شدن، کار خاصی انجام نمی‌دهیم. دهقان: یکسری بازیگر شناخته شده در کمدی داریم که در همه کارها بازی می‌کنند. اغلب تهیه‌کنندگان این ریسک را ندارند که از بازیگران جدید بازی بگیرند. همیشه می‌خواهند از همان چهره‌های شناخته‌شده استفاده کنند و فکر می‌کنند مردم اگر فلان بازیگر را ببینند، حتی اگر فیلمنامه هم خوب نباشد، می‌بخندند و روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. دست آن بازیگران را هم باز می‌کنند که بداهه کنند و هر کاری دل‌شان می‌خواهد انجام شود و همین باعث آشفتنی کار می‌شود.

■ نویسنده‌های فیلمنامه‌ها و کارگردان‌ها هم کار خاصی انجام نمی‌دهند. همین بازی این بازیگران است که مهر کمدی بودن روی کار می‌ند.

دهقان: در مصاحبه‌ای از اصغر فرهادی پرسیده بودند آیا بازیگران سر صحنه پیشنهاد می‌داند که قسمتی از بازیشان را تغییر دهند؟ پاسخ داده بودم اتفاقا پیشنهادهای خوبی هم می‌دادند اما چون من قیال روی فیلمنامه فکر کرده بودم و یک فیلمنامه منسجم داشتم، فکر می‌کردم در آن لحظه که آشفتنی ذهنی دارم و فکرم درگیر چیزهای دیگری است، اگر تغییری بدهم، ممکن است پشیمان شوم. ما یک گروه نویسنده حرفه‌ای داریم که ساعت‌ها فکر می‌کنند و شخصیت پردازی می‌کنند و دیالوگ‌هایی که می‌نویسند را بر اساس آن شخصیت‌پردازی می‌کنند. ممکن است در حین اجرای یک نقش سر صحنه به نظر من برسد که این شوخی خیلی بامزه است و ببینند را می‌خنداند اما این کار را انجام نمی‌دهم. کارگردان هم به من این اجازه را نمی‌دهد که چنین تغییری را در متن به وجود بیاورم چون همان دیالوگ با حرکت ممکن است نقش را به بیراهه بربرد.

■ فکر نمی‌کنید توجه مردم به کمدی‌های ضعیف به این خاطر است که فیلمنامه‌های قوی نوشته نمی‌شود؟

قاسم‌خانی: زمانی شما بر اساس تقاضا کار می‌کنید. یعنی می‌بینید مردم چه می‌خواهند و شما همان را عرضه می‌کنید. این همان نگاهی است که ما در همه چیزمان داریم. مثل اینکه مردم پیکان می‌خرند پس تولید پیکان زیاد می‌شود و ما ممکن است قرن‌ها پیکان تولید کنیم. اما اگر من موضوع جدیدی عرضه می‌کنم که مردم ببینند و بهتر از کار قبلی هم هست یعنی که چیزی برای عرضه کردن وجود دارد. این همان ریسکی است که کمتر برنامه‌سازان ما انجام می‌دهند. جدا از آن، من فکر می‌کنم توانایی تولید کارهای جدید را هم ندارم. تهیه‌کنندگان ما می‌گویند فیلم قبل فلان بازیگر انقدر فروش داشته پس من از این بازیگر استفاده می‌کنم. چون بامزه آهنگ می‌خواند پس قاسم‌خانی: نگریش در تلویزیون ما وجود دارد و آن هم این است یکی دو سکنس آوازخوانی هم برایش اضافه می‌کنم. آنقدر این

تلویزیون

با شقایق دهقان و مهراب قاسم‌خانی درباره ساختمان پزشکان

فیلم‌های کمدی ما مردانه است

مرجان صائبی، فرزانه ابراهیم زاده



بهنام تشکر و فرزانه ابراهیم زاده

گفت‌وگو با مهراب قاسم‌خانی و شقایق دهقان به عنوان یکی از نویسندگان و بازیگر مجموعه ساختمان پزشکان آنقدر شیرین و صمیمی بود که زمان از دست‌مان رفت و ماحصلش گفت‌وگوی طولانی و پر از مطالب خواندنی بود که از اندازه این صفحه خارج بود. برای همین هم سعی کردیم بخش‌های مهم‌تر را انتخاب کنیم. قاسم‌خانی و دهقان در این گفت‌وگو از طنز تلویزیونی و بازیگری فیلم‌های کمدی، ساخت ساختمان پزشکان و کار با کارگردانی چون مهران مدبری، سروش صحت نکته‌های جالبی شنیدیم و گفتیم. نکته جالب در صحبت‌های مهراب قاسم‌خانی به روز بودن او بود. قاسم‌خانی بیشتر سوالاتی که از او می‌پرسیدیم را با نمونه‌های جهانی پاسخ می‌داد. خیلی از سوال‌هایی که در بخش فیلمنامه‌نویسی پرسیدیم را شقایق دهقان پاسخ می‌داد و به عکس سوالاتی که در بخش بازیگری بود. را قاسم‌خانی پاسخ گفت. به اعتقاد این زوج هنرمند؛ مشکلات طنزهای تلویزیونی تنها به دلیل ضعف فیلمنامه‌ها نیست. به این دلیل است که سازندگان این آثار و برنامه‌ریزان فرهنگی آشنایی زیادی با حوزه کاری خود ندارند.

تکرار می‌شود تا تبدیل به تیپ می‌شود. به این فکر نمی‌شود که می‌شود یک محصول جدید ارایه شود که سلیقه مخاطب را در یک موضوع نگه نداریم. بخشی از این موضوع به برنامه‌ریزان فرهنگی ما هم برمی‌گردد که این نگاه نو را در خود داشته باشند. چون من رشت‌هام نقاشی است، این موضوع را می‌گویم که در دانشکده نقاشی هم‌کلاس‌هایی داشتم که در سطح بین‌المللی کار می‌کنند اما نقاشی‌های دیواری‌های شهرهای ما را ببینید که جقدر افتضاح است. این به خاطر این است که کسی که تصمیم بگیرد این است که به این موضوع شش‌تانه دارد و نه سلیقه و نه سواد. یک متخصص در راس این کار نیست که براساس نگرش در ست هنری تصمیم بگیرد. باید برنامه‌ریزی مناسبی روی بالا برن سطح شعور مخاطب داشته باشیم. برنامه‌ریزان هم باید روی خودشان کار کنند.

■ جقدر این جریان‌قانی که در حین کار برای ساختمان پزشکان پیش آمده، در روند کار تأثیر گذاشت؟

قاسم‌خانی: خیلی‌های ساختمان پزشکان از ابتدا خیلی زیاد بود. البته در زمان تولید یکی از کم‌حاشیه‌ترین و کم‌فشارترین کارهایی بود که در این سال‌ها نوشتیم و ساخته شد. زمان پخش هم کمترین حذف را داشتیم. این‌ا ز زمانی بود که کار توقیف شد تا زمانی که پخش شد، فقط حدود ۱۶ سکانس بود که به کار اضافه شد و اصلا چیزی حذف نشد. ی‌کنم، دو جمله حساسیت‌برانگیز بود که آن هم به لحاظ خط قرمزها شد. کم اشتباهی که مسوولان تلویزیون در مورد ساختمان پزشکان کردند دامن زدن به نگرانی بود که مبدا جامعه پزشکان نازحت شوند. در صورتی که کار هنوز پخش نشده بود و شکایتی هم نشده بود.

■ انتخاب پزشکان جقدر به وجه کمدی داستان کمک می‌کرد؟

قاسم‌خانی: این نکته‌ای است که در این کار وجود ندارد. ما هیچ نقدی به جامعه پزشکان نداشتیم. می‌توانستیم به هر شغل دیگری بپردازیم. در همین کار به فضاهای دیگری هم فکر کردیم. اصلا در ابتدای این کار به یک زندان خصوصی فکر کردیم. موضوعی که در ایران وجود ندارد. اما بعدا پشیمان شدیم و به بیمارستان و در نهایت ساختمان پزشکان فکر کردیم. برای ما شخصیت‌ها مهم بودند. دهقان: من نقش یک منشی را بازی می‌کنم. اما قصد و غرضی در این نقش وجود ندارد. اتفاقا منشی بودن به نظرم جزو شغل‌های سختی است که خود من هیچ وقت نمی‌توانم انجام دهم. اما این نقش از ویژگی‌های یک منشی استفاده کردم. مثل اعتماد به نفسی که منشی‌ها دارند و اینکه به محیط و کارشان خیلی مسلط هستند. البته بد و خوب در همه شغل‌ها وجود دارد. ممکن است یک منشی اصلا پاسخگوی شما نباشد و بالعکس. اما قضیه این بود که کاراکترها باید شغل داشته باشند.

■ این جریان اعتراض گروه‌های مختلف صنفی مدتی است خیلی جدی شده و به نظر می‌آید که نباید با شغل‌ها شوخی کرد؟

قاسم‌خانی: فقط صنف‌ها نیستند. سروش صحت چند سال پیش یک فیلمنامه فالتزی نوشته بود که دو برادر بودند که یکی ناشی کمبیز بود و دیگری کمبیز. تعدادی از کمبیز شکایت کرده بودند که اسم ما را مسخره کرده‌اند.

دهقان: البته همیشه هم این اتفاق نمی‌افتد. در همین ساختمان پزشکان قسمت‌هایی داریم که با سرهنگ نیروی انتظامی شوخی می‌کنیم و آقای شیرینی این نقش را خیلی شیرین ایفا کرده است. اما هیچ شکایتی از سوی نیروی انتظامی نیامده است. این فهم و درک آن صنف را می‌رسد؛ که متوجه این شوخی با نیروی انتظامی باحث می‌شود تا مردم با نیروی انتظامی مانوس تر شوند.

■ یعنی این سیاست‌گذاری جدیدی است؟

دهقان: در کارهای جدی سینما و تلویزیون خاب‌هام نقش برنگرتی دارند. مثل ترگس یا همین ستایش که الان در حال پخش شدن است؛ داستان بر محور شخصیت یک زن می‌چرخد. اما در کمدی همان‌طور که مهراب گفته نه تنها در ایران بلکه در دنیا هم کمتر کمدی‌های زن داریم که در این حوزه کار می‌کنند. البته در ایران میزری همان‌طور که گفتید وجود دارد. ولی در ساختمان پزشکان به‌خصوص ما کمتر با این میزری‌ها روبرو بودیم. صحنه‌هایی بود که من خودم فکر می‌کردم که باری می‌کنم اما حتما حذف می‌شود. اما در پخش دیدم که پخش شد. سازمان یک جوهرایی در این کار دست ما را بازتر گذاشته است.

■ یعنی این سیاست‌گذاری جدیدی است؟

دهقان: تا حدودی بله. زمانی که من در پاورچین یا شنب‌های

برره بازی می‌کردم، به لحن حرف زدنم هم ایراد می‌گرفتند. در صورتی که نقش من اصلا عشو‌گری زنانه نداشت و گرم خاصی هم نداشتم. البته یک مسالهای هست و آن هم اینکه در آن زمان این همه محصولات خارجی وارد کشور ما نشده بود و مردم درگیر سریال‌های دنباله‌دار کانال‌های خارجی نبودند. مجبور بودند همان برنامه‌های که از شبکه‌های مختلف تلویزیون پخش می‌شد را ببینند. مسوولان هم این را خوب می‌دانستند و نظراتشان را اعمال می‌کردند. اما الان به نتیجه‌ای درست رسیدند که امیدوارم در آینده هم ادامه داشته باشد. اینکه برای جذابیت کارها و اینکه مردم را به سمت تلویزیون بکشانند باید یک مقداری دست ما را باز بگذارند.

■ جقدر خود بازیگران زن در اینکه نقش غیرمحوری باشند، موثر بودند؟

دهقان: متأسفانه بازیگران زن ما هم خیلی دوست ندارند کمدی بازی کنند و احق دیده شوند. اگر قرار است که گرمی بشنوند که رشتت نشان‌شان باشد حتی یک سکنس هم بازی نمی‌کنند. معمولا این هراس در بین بازیگران زن ما وجود دارد که دوست ندارند متانت و زیبایی‌شان زیر سوال برود. من حتی شاهد بودم که بازیگران زن به نویسندگان توصیه می‌کردند با قد یا وزن ما شوخی نکنید. یا اگر بینی من عمل کرده است راجع به بینی من شوخی نکنید. خود من زباد شوخی با فیزیک دیگران را دوست ندارم اما گاهی که بدنام به پیشپرد نقش کمک می‌کند، می‌گذارم شوخی کنند. ■ جقدر اینکه دهقان دهقان به عنوان هسمر شما می‌خواست این نقش را بازی کند دست شما را برای این جور شوخی‌ها بازمی‌گذاشت؟

قاسم‌خانی: نقشی که من نوشتم خیلی شبیه خود شقایق است. بعضی وقت‌ها سوال‌هایی در خانه می‌پرسد که روزها سوژه خنده می‌شود. ما همیشه درباره نقش‌های او صحبت می‌کنیم. شقایق نگرانی‌هایش را می‌گوید و من نظرم را می‌دهم. اما در نهایت این خودشان است که به جمع‌بندی می‌رسد. به هر حال خیلی این سال‌ها ما توانایی‌هایش را شناختم. در این نقش شقایق مقداری از خود واقعی‌اش را بروز داد و به صورت آگزرجه شده‌ای نشان داد. ما راجع به این نقش با پیمان به این نتیجه رسیدیم، جوری بنویسم که اگر صدای تلویزیون بسته است ببینند فکر کنند که دارد فیلم جدی می‌بیند. خانم شیرازاد از اعتماد به نفس بالای خود برخوردار است و با بهره‌وشی کمی که دارد دیالوگ‌های مسخره‌ای می‌گوید و خودش اعتقاد دارد که خیلی باهوش است. از ابتدا قرار نبود این نقش یک‌نقش محوری باشد و به غیر از یکی دو قسمت داستان روی این شخصیت نبود. شقایق احتیاج داشت وقت آزادتری داشته باشد تا به پچاش – البته پچمان- برسد. اما من زیاد نوشتم چون دوست داشتم قسمت‌هایی که می‌نویسم خنده دارتر باشد و این سکانس‌ها خیلی خندندار بود. من این نقش شقایق را از بقیه نقش‌هایش بیشتر دوست داشتم. خودش هم خیلی نگران بود و همین نگرانی باعث شد تا نقش جابیفند. ■ در سینما و به‌خصوص تلویزیون همیشه گفته می‌شود دستمزد نویسندگان جزو پایین‌ترین دستمزد بود. شما به عنوان کسی که سال‌هاست با تلویزیون همکاری می‌کنید، فکر می‌کنید این وضعیت‌ای برای کم بودن و زیاد بودن دستمزد وجود دارد؟

قاسم‌خانی: از زمانی که پیمان وارد تلویزیون شد، قانون دستمزد‌های نویسندگان تغییر کرد. قبلا همان‌طور که اشاره کردید خیلی پایین بود. البته الان هم کافی نیست و شاید باید بیشتر باشد اما از گذشته بهتر شده است. شما به عنوان نویسنده باید بعد از یک سال کار چند ماهی استراحت کنید تا بتوانید با یک طرح کامل کار تازه‌ای ارایه بدهید. اما بارها اتفاق افتاده که در زمان استراحت خودم من بی‌پول شدم و طرحی را پذیرفتم که دوست نداشتم. اما در کل حضور پیمان در عرصه نویسندگی در تلویزیون به فیلمنامه ارزش داد و دستمزد‌ها را رویند پخش بالا برد. در حال حاضر من به عنوان نویسنده اگر بیشتر وقت بگذارم می‌توانم نقش بیشتر از بازیگران بیشتر دستمزد بگیرم. اما می‌دانم که در بسیاری از کارهای تلویزیونی دستمزد هنوز پایین است و نویسندگان ترجیح می‌دهند که فیلمنامه‌هایشان را به سینما بدهند تا اگر آن شده نه اینکه یک شب از تلویزیون پخش شود. وقتی دستمزد پایین است نویسندگه هم وقت نمی‌گذارند و در نتیجه کیفیت کار پایین است. وقتی قرار است کیفیت را بالا ببریم باید هزینه کنیم. هر جقدر بیشتر هزینه کنیم، می‌توانیم از نویسندگان بهتری کمک بگیریم. همین ساختمان پزشکان با دو برابر هزینه می‌توانست خیلی بهتر باشد. اما دستمزد نویسندگان خوب بود. پیمان یک زمانی تبدیل شد به فیلمنامه نویس فروش و سوپر استار فیلمنامه نویس‌ها. این هم زمانی بود که چند کاری که نوشته بود جزو کارهای پرفروش شد با وجود اینکه در بعضی از این فیلم‌ها هیچ ستاره‌ای بود.

■ تفاوت نوشتن شما و پیمان قاسم‌خانی در چیست؟

قاسم‌خانی: در هیچ چیز.

■ یعنی در یک سطح کار می‌کنید؟

قاسم‌خانی: سلیقه‌ایمان شبیه هم است. معمولا از سبک خاصی فیلم خوشام می‌آید. بعضی وقت‌ها پیمان رنگ می‌زند یا فیلمی را به من می‌دهد و می‌گوید که فلان قسمت را ببین. گاهی می‌گویم که نگو خودم می‌دانم که چه سکانس یا دیالوگی را دوست دارم. از بچگی با هم فیلم دیدیم. البته من چون کوچک‌ترم همیشه پشت سر پیمان بود‌ام. اما پیمان حرفه‌ای‌تر است و احاطه بیشتری دارد. مغز ریاضی خوبی دارد و می‌تواند فضا را از بالا ببیند. در این مجموعه شاید شد تا چهار قسمت را نوشته است.

فانوس خیال

شیر بی‌بال و دم
طنز تلویزیونی در ایران

آینا قطبی‌بعقوبی

■ بعد از یک روز پرکاروتش، روی کاپایه خانه‌ان لم داده و کنترل تلویزیون به‌دست، پادشاه سرزمین پر نقش‌ونگار و متنوع کانال‌های تلویزیونی هستید. کدمه‌های روی کنترل را فشار می‌دهید، کانال‌های مختلف برای حداقل پنج‌ثانیه در برابر چشمان شما ثابت می‌شوند. از میان تصاویر جنگ و زلزله، مرگ و گرمایش زمین ناگهان یک‌تکه کیک خامه‌ای به صورت مردی کاملا جدی اصابت و صدای شلیک خنده‌سالن خانه شما را پر می‌کند. فشار دست‌تان بر کنترل تلویزیون کم شده و برای مدتی صاحبان این شبکه تلویزیونی را غرق در شادی می‌کنید. نگران نباشید. شما مبتدل و الکی خوش نیستید. ایسن طبیعی‌ترین واکنش بشر به امر شادی‌آور است. لحظه‌ای مکث و تعلل و میل به خندیدن. اما این داستان همیشه هم پایان خوش و شادی‌آوری ندارد. کافی است تا چندین بار طنزهای مشابه، بدون خلاقیت و تکراری را تماشا کنید تا دیگر هرگز تصویر کیک خامه‌ای پخش‌شده بر صورت مرد جدی، نه تنها شما را به مکث واندانشته که فشار انگشتان‌تان را روی کنترل تلویزیون چنان افزایش دهد که به‌جای یک کانال به چندین کانال جلوتر پرتاب شوید. طنز، یکی از مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و پرمخاطب‌ترین گونه‌ها در میان انواع هنرهاست. میلیون‌ها نفر از مردم در سرتاسر جهان اوقات فراغت خود را با مجلات و کتب طنز، کاریکاتورها، فیلم، سریال، تئاترهای کمدی و جک‌های شاهی پر می‌کنند و از میان همه اینها طنزهای تلویزیونی شاید بیشترین مخاطب را در میان عامه مردم داشته باشند. کمدی‌های رنگارنگی که شبکه‌های تلویزیونی، آنها را در پربیننده‌ترین ساعت شبانه‌روز به نمایش می‌گذارند تا در رقابت ثانیه‌ها، تعداد بیشتری از مردم خسته از روزمرگی را برنده شوند. کمدی‌هایی که در دهه اخیر حضور پررنگ و تعدادی در تلویزیون مهنیتی ما داشته‌اند. حضوری که هرچند در ابتدا سبیری کلاصا صعودی هم از جهت کیفی و هم از منظر کمی داشت، اما دوران طلایی اوجش چندان ناپاییده و در سقوط پرشب محور سینوسی به شیری بی‌بال و دم و اشکم بدل شده است.

درخصوص چرایی این سقوط و آسیب‌شناسی طنز تلویزیونی بسیار گفته‌اند و معوم مهم‌ترین و اصلی‌ترین علت را ضعف متن مکتوب و به عبارتی حضور کمرنگ نویسنده و کاراکتر و بازیگر محور بودن این طنز‌ها که تالی منطقی‌اش می‌شود، تکراری و تکراری و تکراری بودن، دانسته‌اند. نظری که به نظر درست می‌آید، چراکه طنز در ذات خود، اندیشه خلاق، منتقد، باریکبین و هوشمند را نهان داشته و نیازمند نگاه‌شرفی کرده شده و ساختارمند است. به عبارتی دارل‌بودن یک متن قدرتمند، مهم‌ترین



علت موفقیت کمدی‌های مشهور جهان از آرستوتوفان تا همین دنیای امروز است. امری که عموم کمدی‌های ساخت داخل در چند سال اخیر، تنها فقدنش را تجربه کرده‌اند. فقدانی که توسط بازیگران صاحب‌ان طنز پر می‌شود. اما اینکه آیا بازیگر اگر شخصا نویسنده نباشد، می‌تواند، اثری موفق تولید کند یا نه، شاید کلیدی‌ترین نکته آسیب‌شناسی طنز تلویزیونی ایرانی باشد. پاسخ به این پرسش در اکثریت قریب به اتفاق موارد، منفی است. بازیگر طنز فرض بر مولف و توانمند بودن، قادر به ایجاد یک ساختار تمام و کمال نیست و شاید از همین‌روست که هرگاه نقش متن و نویسنده در پ‌اثر کمیک کمرنگ می‌شود، شاهد ظهور و تولید گونه‌های سطحی‌تر کمدی هستیم. طنزهای کلاسی، اسکرول‌بال، کمدی‌های بزن‌بکوب، طنزهای جنسیتی و همه آنچه که نیازمند کمتر اندیشیدن است. اینکه به چه علت مقوله طنز در جامعه ایرانی تا این اندازه بازیگر محور است، شاید ریشه در تجربه‌های تاریخی -کمدی ایرانی داشته باشد. در واقع اولین نمایش‌های کمدی ایرانی، تقلیدهای تخت حوضی و اخلاف آن در گذشته جامعه ایرانی هستند. نمایش‌هایی کلاسا بازیگر محور و مبتنی بر بداهه‌سازی و فاقد متن مکتوب که تنها با نام بازیگران نامی در حافظه تاریخی ما به‌جا مانده‌اند. کمتر کسی است که از طنز سخن بگوید و باور و و کریم شیرهای را نشناسد یا از نمایش کمدی ایرانی بگوید و تصویر سیاه را فروموش کند. صحنه تئاتر ایرانی نیز در اولین مواجه‌اش با متن غربی به سراغ مولیر-ی می‌رود که کمدی‌هایش کاراکترمحورند و حتی متون مکتوب مولیر هم به دست بازیگران و به‌مدد بداهه آنها به نمایش‌هایی کاملا متفاوت بدل می‌شوند. در حقیقت نمایش ایرانی، تصویری از نویسنده به عنوان خالقیت اندیشمند نداشته و همیشه بر بازیگر مولف‌ها تکیه زده است. تکیه بر بازیگر- مولف در کار کمدی البته فی‌نفسه، به هیچ عنوان مضموم و مطرود نیست، چراکه تاریخ کمدی، نمونه‌های موفقی از کار بازیگر، مولفانی چون باستر کیتون و چاپلین هم ارائه داده است. اما اینکه از میان همه انواع کمدی همیشه تنها نمونه‌های پرجنب‌وجوش و مبتنی‌بر بازیگر را به خود مخاطب بدهیم، امری است که چرخ‌های مضمحل، تکراری و مبتدل را ایجاد و سطح سلیقه مخاطبان را کاهش می‌دهد. مهم‌ترین و موفق‌ترین نمونه‌های طنز جهان، عموما طنزهای موقعیت، بارودی‌های جذاب، گروتسک‌های عمیق و طنزهای سیاسی بوده‌اند و چه‌کمی می‌تواند ادعا کند که این‌گونه از طنز را می‌توان در فقدان نویسنده قدرتمند و خلاق تولید کرد. دنیای کمدی، هرچند با لورل و هاردی و برادران مارکس رنگین می‌شود، اما در غیبت ودی آلن و پیتر سلرز، حتما می‌میرد.